

تحلیل و تبیین الگوی معنایی مهدویت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر نسبت آن با راهبرد مقاومت و تحول نظم جهانی

علیرضا رجبی^۱

چکیده

گفتمان مهدویت در اندیشه شهید آیت‌الله خامنه‌ای، صرفاً باوری اعتقادی نیست، بلکه به مثابه چارچوبی معنایی مؤثر بر تبیین هویت فردی، کنش جمعی و درک تحولات جهانی قابل بررسی است. با توجه به برجسته شدن مفهوم مقاومت در گفتمان جمهوری اسلامی، بررسی نسبت میان مهدویت، مقاومت و نظم جهانی در حال تحول، از اهمیت تحلیلی برخوردار است. هدف این مقاله، بازسازی الگوی معنایی حاکم بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین این نسبت سه گانه است. پژوهش به صورت کیفی و با رویکرد تحلیل مضمون انجام شده و داده‌ها بیانات مرتبط با مهدویت، انتظار و عدالت جهانی را در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ شامل است. تحلیل داده‌ها در سه مرحله استخراج مضامین، تنظیم روابط میان آن‌ها و صورت‌بندی مدل مفهومی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد؛ مهدویت در اندیشه ایشان نظامی معنا ساز است که «امید الاهی جهت‌دار» را تولید کند و بنیان هویتی و روانی مقاومت را شکل می‌دهد. مقاومت، تجلی عملی انتظار و موتور تحولات جهانی معرفی می‌شود و پیوند آن با مهدویت، چارچوبی برای فهم گذار جهان از نظم سلطه به نظم عدالت‌محور فراهم می‌سازد. الگوی نهایی، ساختاری سه سطحی «معنا، کنش و افق تمدنی» است.

واژگان کلیدی: گفتمان، مهدویت، مقاومت، نظم جهانی، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

۱. مقدمه

باور به منجی آخرالزمان یا مهدویت، از بنیادی‌ترین عناصر مشترک در سنت‌های دینی بشر است و به اسلام محدود نیست، بلکه در یهودیت، مسیحیت و دیگر ادیان نیز با بیان‌های گوناگون حضور دارد. انتظار «ماشیح» در یهودیت، بازگشت مسیح در مسیحیت و ایده رهایی‌نهایی در دیگر سنت‌ها، همگی بر این پیش‌فرض مشترک استوارند که تاریخ، مسیری هدفمند به سوی غلبه عدالت بر ظلم و تحقق جهانی صالح دارد. همین باور مشترک، مهدویت را به یکی از پایدارترین عناصر معنایی در حافظه تاریخی ادیان تبدیل کرده است.

در اندیشه اسلامی، مهدویت صرفاً آموزه‌ای کلامی یا اعتقاد فردی نیست، بلکه افقی تمدنی و چارچوبی معنا ساز برای فهم انسان، جامعه و تاریخ محسوب می‌شود. این معنا در منظومه فکری قائد شهید انقلاب صورت‌بندی منسجم‌تر و کارکردی‌تری می‌یابد؛ به گونه‌ای که مهدویت به مثابه چارچوبی جامع برای تفسیر وضعیت موجود، جهت‌دهی به کنش جمعی و ترسیم آینده مطلوب جامعه اسلامی عمل می‌کند. از این منظر، مهدویت هم‌زمان سه کارکرد اساسی دارد: بازسازی هویت فرد مؤمن، سامان‌دهی کنش اجتماعی و ارائه تحلیلی کلان از حرکت تاریخ به سوی عدالت جهانی. مسئله محوری این پژوهش، دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود: گفتمان مهدویت در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای چگونه با مفاهیم مقاومت و تحولات جهانی مفصل‌بندی شده و این صورت‌بندی گفتمانی بر چه مفروضاتی استوار است؟

تحولات سیاسی و اجتماعی دهه‌های اخیر، به‌ویژه تقابل فزاینده میان نظام سلطه و جبهه‌های متکی بر مقاومت، موجب شده است که مهدویت در گفتمان نظام اسلامی، نقشی فراتر از امر فردی ایفا کند. در این گفتمان، «انتظار»، به‌هیچ‌وجه به معنای انفعال یا تعلیق کنش نیست، بلکه نیرویی امیدبخش، جهت‌دهنده و کنش‌زاتلقی می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر مفاهیمی چون «قانع‌نشدن به وضع موجود» «امید به آینده» و «حرکت مستمر» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱)؛ انتظار را بنیان روانی و معنایی مقاومت معرفی می‌کنند. در این چارچوب، مقاومت صورت‌عملی انتظار فعال و سازکار تحقق هویت اسلامی در مواجهه با ساختارهای سلطه‌گر جهانی است. در سطحی کلان‌تر، مهدویت در اندیشه رهبر انقلاب، مبنای تحلیل تحولات تاریخی و نظم جهانی معاصر نیز به‌شمار می‌آید. ایشان بارها



تصریح کرده‌اند که به‌رغم گسترش ظلم، بی‌عدالتی و سلطه، حرکت کلی تاریخ به‌سوی «صلاح»، «آینده روشن» و «عدالت فراگیر» در جریان است. این تلقی، صرفاً نوعی امید ایمانی نیست، بلکه چارچوبی تحلیلی برای فهم گذار نظم جهانی از ساختارهای سلطه‌محور به الگوهای جدید قدرت محسوب می‌شود. در این نگرش، مقاومت ملت‌ها و جنبش‌های مستقل، نشانه‌ای از تزلزل نظم موجود و قرینه‌ای بر نزدیک شدن به افق مهدوی تلقی می‌گردد.

با وجود گستردگی بیانات آیت الله خامنه‌ای درباره مهدویت، انتظار، عدالت جهانی و مقاومت در سه دهه گذشته، تاکنون پژوهشی منسجم که بتواند ساختار مفهومی و شبکه معنایی این گفتمان را به صورت مدلی یکپارچه بازسازی کند، شکل نگرفته است. مطالعات موجود غالباً به ابعاد اعتقادی یا اخلاقی مهدویت پرداخته و پیوندهای آن با مقاومت سیاسی و تحلیل نظم جهانی را کم‌تر واکاوی کرده‌اند. این خلأ، در اوضاع و احوالی که گفتمان مقاومت به یکی از عوامل تعیین‌کننده تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده، اهمیتی مضاعف می‌یابد.

هدف این پژوهش، بازسازی الگوی گفتمانی بیانات آیت الله خامنه‌ای در باب نسبت مهدویت، مقاومت و تحولات جهانی است. در این زمینه، مقاله می‌کوشد چگونگی مفصل‌بندی این مفاهیم، نحوه سازمان‌یابی شبکه معنایی آن‌ها و دلالت‌های این صورت‌بندی را برای فهم راهبرد مقاومت و تصور نظم جهانی بررسی کند.

۲. پیشینه پژوهش

اندیشه مهدویت در سال‌های اخیر به یکی از محورهای قابل‌توجه در مطالعات دینی، تربیتی، سیاسی و تمدنی تبدیل شده است. پژوهش‌های انجام‌شده هر یک کوشیده‌اند بخشی از ابعاد این مفهوم را در نسبت با امید، انتظار، مقاومت، دولت دینی یا تمدن نوین اسلامی بررسی کنند. با این حال، این مطالعات غالباً بر یکی از اضلاع این منظومه تمرکز داشته‌اند یا به توصیف مفاهیم و کارکردهای آن‌ها بسنده کرده و کم‌تر به بازسازی یک الگوی معنایی منسجم از نسبت مهدویت، مقاومت و نظم جهانی پرداخته‌اند. در این میان، کرمی (۱۴۰۲)، در پژوهش «مهدویت در اندیشه مقام معظم رهبری» با تحلیل ۷۳ سخنرانی، شش مضمون فراگیر در قالب ده مقوله استخراج کرده و نشان داده است که مهدویت در این بیانات با مفاهیمی چون امید،



مقاومت و زمینه‌سازی ظهور پیوند دارد. اهمیت این پژوهش در توجه مستقیم به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و استخراج سازمان‌یافته مضامین است. با این حال، تمرکز اصلی آن بر شناسایی مضامین است و روابط ساخت‌یافته میان سطوح مختلف معنا، کنش و افق جهانی در آن به صورت مستقل صورت‌بندی نشده است. همچنین سیاهپوش (۱۳۹۹) در مقاله «شاخص‌های جامعه منتظر در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» با روش تحلیل محتوای کیفی، شاخص‌های سیاسی جامعه منتظر را در منابع گفتاری و نوشتاری آیت‌الله خامنه‌ای بررسی کرده و مؤلفه‌هایی چون وحدت کلمه، ولایت‌مداری و نفی طاغوت، تحول‌خواهی، امید به وعده الهی و عدالت‌خواهی را برجسته ساخته است. این پژوهش از حیث تمرکز بر ابعاد سیاسی انتظار و استخراج شاخص‌های کنش‌گرایانه جامعه منتظر اهمیت دارد؛ اما مسئله آن بیش از آن‌که به نسبت سنجی مهدویت با مقاومت و تحول نظم جهانی ناظر باشد؛ به تبیین ویژگی‌های سیاسی جامعه منتظر معطوف است. از این رو، پیوند این مؤلفه‌ها در قالب الگوی معنایی چند سطحی در آن دنبال نشده است. خزلی و ساداتی‌نژاد (۱۴۰۲) نیز در مقاله «الگوی مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری»، با روش تحلیل مضمون، پیوند میان معنویت‌گرایی، اصالت تکلیف و امید را بررسی کرده‌اند. این مطالعه از حیث تبیین عناصر سازنده مقاومت اهمیت دارد؛ اما مهدویت در آن به عنوان کانون صورت‌بندی معنایی مقاومت به طور مستقل بررسی نشده و نسبت این مؤلفه‌ها با تحولات نظم جهانی نیز محل توجه اصلی پژوهش نبوده است. در پژوهشی دیگر، رضانژاد و صمدی (۱۴۰۴)، در «نقش اندیشه مهدویت در شکل‌گیری رویکرد تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی»، بر پیوند مهدویت و تمدن‌سازی تأکید کرده‌اند. نقطه قوت این مطالعه، توجه به دلالت‌های تمدنی مهدویت است؛ با این حال، به دلیل اتکا به رویکرد توصیفی، سازکارهای مفهومی پیوند میان مهدویت، مقاومت و نظم جهانی در آن به صورت نظام‌مند بازسازی نشده است.

برآیند مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود، هرچند در روشن‌سازی برخی ابعاد مهدویت، انتظار، مقاومت و تمدن‌سازی مفید بوده‌اند؛ با چند محدودیت مشترک مواجه‌اند: نخست، بیش‌تر آن‌ها بر یکی از سطوح مفهومی، رفتاری یا تمدنی متمرکز شده‌اند و ارتباط میان این سطوح را به صورت یکپارچه صورت‌بندی نکرده‌اند؛ دوم، در بخش مهمی از

این آثار، نسبت مهدویت با نظم جهانی یا به صورت ضمنی مطرح شده، یا اساساً در کانون تحلیل قرار نگرفته است؛ سوم، غالب این مطالعات به توصیف مضامین یا تبیین نظری بسنده کرده و کم‌تر به بازسازی الگوی معنایی برآمده از داده‌های متنی پرداخته‌اند. تمایز این پژوهش در آن است که می‌کوشد با استفاده از تحلیل کیفی داده‌های متنی، مضامین پراکنده را در قالب چارچوبی سه سطحی شامل معنا، کنش و افق آینده‌نگر صورت‌بندی کند و از این طریق، شکاف موجود میان مطالعات مفهومی، رفتاری و تمدنی را کاهش دهد.

۲. مبانی نظری

پژوهش حاضر بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان با تمرکز بر منظومه فکری سامان یافته است؛ رویکردی که بر این پیش‌فرض استوار است که مفاهیم محوری در بیانات رهبر یا اندیشمندان، به صورت منفرد عمل نمی‌کنند، بلکه در قالب نظام معنایی شبکه‌واری معنا می‌یابند. در این چارچوب، گفتمان مجموعه‌ای سازمان یافته از معناهاست که هم‌زمان، سه سطح را دربر می‌گیرد: مبانی معنایی - معرفتی، سازکار کنش‌زایی و افق‌پردازی کلان. داده‌های این تحقیق نیز بر اساس همین ساختار سه سطحی طبقه‌بندی و تحلیل شده‌اند:

سطح نخست، یعنی مبانی معنایی - معرفتی، به مفاهیم بنیادینی می‌پردازد که مهدویت را در گفتمان قائد شهید از نوعی باور صرف اعتقادی به چارچوبی فعال و راهبردی تبدیل می‌کند. این سطح، بنیان هستی‌شناختی و هویتی گفتمان مهدوی را شکل می‌دهد و تعیین می‌کند که جهان، تاریخ و آینده چگونه فهم می‌شوند؛ سطح دوم، سازکار کنش‌زایی، نشان می‌دهد که چگونه این معناها به نیروی روانی - اجتماعی تبدیل شده و مقاومت را به عنوان کنشی آگاهانه، پایدار و امید محور تولید می‌کنند. در این نگرش، انتظار نه به مثابه انفعال، بلکه به عنوان حرکت، تاب‌آوری و پیوند معنوی با ولّی خدا فهم می‌شود و همین معنا، موتور مقاومت در برابر نظم سلطه و جریان‌های ناامیدی‌آفرین را فراهم می‌آورد؛ سطح سوم، افق‌پردازی کلان، به ترسیم آینده مطلوب ناظر است؛ آینده‌ای که در آن گذار از نظم سلطه به نظامی عدالت‌محور و معنوی، فروپاشی قطب‌های استکباری و تحقق تمدن اسلامی در سایه ظهور معنا می‌یابد. این افق، هم جهت‌دهنده کنش‌های مقاومتی و هم معنابخش به پایداری در مسیر دشوار تاریخ



است. با استخراج مضامین فراگیر در هر یک از این سطوح، داده‌ها در قالب ماتریس‌های سه‌گانه و خوشه‌بندی نهایی سامان‌دهی می‌شوند. بدین ترتیب، ساختار پژوهش از مبانی نظری مهدویت آغاز می‌شود، به کارکرد آن در تولید مقاومت امتداد می‌یابد و در نهایت به تحلیل نظم جهانی و افق ظهور ختم می‌شود. استفاده از روش یافته‌محور در این چارچوب بدین معناست که ابتدا مضامین از دل داده‌های واقعی، یعنی بیانات رهبر انقلاب، استخراج می‌شوند و سپس مدل نظری بر اساس این مضامین بازسازی می‌گردد، نه بر پایه پیش‌فرض‌های نظری بیرونی. سؤال محوری پژوهش بر همین اساس صورت‌بندی می‌شود: «گفتمان مهدوی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای چگونه ساخته می‌شود و چگونه به تولید معنای مقاومت و تحلیل نظم جهانی در حال گذار منجر می‌گردد؟» چارچوب سه‌سطحی «معنا، کنش و افق» ابزار مفهومی پاسخ به این سؤال است و مسیر منطقی گذار از متن بیانات به مدل نهایی را فراهم می‌سازد.

۳. مفهوم‌شناسی

«گفتمان» در علوم اجتماعی، به «نظامی از معناسازی» اطلاق می‌شود که قواعد تولید معنا، حدود فهم‌پذیری و نحوه سامان‌یافتن گزاره‌ها را تعیین می‌کند. فوکو، گفتمان را مجموعه‌ای از قواعد و اعمال می‌داند که نظام‌مند، موضوعات سخن را می‌سازند و در عین حال، مداخله خود را پنهان می‌کنند (فوکو، ۱۹۷۴). در نظریه لاکلا و موف نیز گفتمان «صورت‌بندی مفصل‌بندی شده‌ای است که عناصر پراکنده را حول دال‌های محوری به یک کلیت معنایی تبدیل می‌کند» (مقدمی، ۱۳۹۰). بر این اساس، در این پژوهش گفتمان به مثابه شبکه‌ای سه‌سطحی از معنا، کنش و افق آینده تعریف می‌شود که از دل بیانات آیت الله خامنه‌ای درباره مهدویت، مقاومت و نظم جهانی استخراج شده است.

«مهدویت» در اندیشه اسلامی به معنای «باور به ظهور منجی الهی و تحقق حکومت عدل جهانی بر اساس وعده‌های قطعی الهی» است. مطهری مهدویت را ضرورت منطقی حرکت تاریخ به سوی عدالت و توحید می‌داند و آن را نشانه خوش‌بینی بنیادین به آینده بشر معرفی می‌کند (مطهری، ۱۳۸۲). در چارچوب این پژوهش، مهدویت به مثابه سامانه‌ای معنایی -

ارزشی تعریف می‌شود که مضامینی چون امید الهی جهت‌دار، انتظار فعال، نفی وضع موجود، پیوند ولایی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و قطعیت حرکت تاریخ به سوی عدل را تولید می‌کند.

«مقاومت»، در لغت، به معنای ایستادگی، پایداری و استحکام آمده است (معین، ۱۳۶۰؛ انوری، ۱۳۸۱ و دهخدا، ۱۳۷۷) و در علوم سیاسی و اجتماعی، به کنش فردی یا جمعی در برابر سلطه و ساختارهای ناعادلانه قدرت اطلاق می‌شود (اسکات، ۱۹۹۰). در این پژوهش، مقاومت برآیند عملیاتی مضامین مهدوی است که در قالب ایستادگی در برابر ظلم، نفی سلطه‌پذیری، تلاش برای تحقق عدالت و حفظ امید پایدار در شرایط سخت تجلی می‌یابد.

«نظم جهانی» نیز در روابط بین‌الملل به مجموعه قواعد، هنجارها، نهادها و الگوی توزیع قدرت اشاره دارد (نای^۱، ۲۰۲۵). در این تحقیق، نظم جهانی به مثابه برداشت کلان آیت الله خامنه‌ای از وضعیت کنونی جهان به عنوان نظم سلطه، همراه با تحلیل روند قطعی گذار تاریخی بر پایه امید مهدوی تعریف می‌شود؛ گذاری که آینده را به عدالت جهانی و پایان سلطه متعلق می‌داند.

۴. روش تحقیق

این پژوهش، از نظر هدف کاربردی - توسعه‌ای است؛ زیرا با هدف ساخت و به کارگیری مدل مفهومی سه سطحی مهدویت، مقاومت و نظم جهانی، هم جنبه نظری دارد و هم در تحلیل راهبردی گفتمان انقلاب اسلامی و فرهنگی - تمدنی کاربرد می‌یابد. پژوهش با هدف پرکردن خلأ اتصال سطوح معنا، کنش و افق، در مطالعات راهبردی قابل استفاده است.

رویکرد تحقیق، کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون و بازسازی تفسیری شبکه مفهومی داده‌ها انجام شده است. انتخاب این رویکرد از آن روست که داده‌های پژوهش ماهیتی زبانی و مفهومی دارند و هدف، استخراج مضامین اصلی، تبیین روابط میان آن‌ها و بازسازی الگوی معنایی حاکم بر این بیانات است؛ نه داوری هنجاری یا نقد ایدئولوژیک آن‌ها. بر این اساس، پژوهش می‌کوشد چگونگی صورت‌بندی مفاهیم مهدویت، انتظار، مقاومت و نظم جهانی را در

1. Joseph S. Nye

چارچوب تحلیلی روشن سازد. داده‌ها از مرور نظام‌مند بیانات مکتوب آیت الله خامنه‌ای در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ جمع‌آوری شده، از پایگاه رسمی^۱ استخراج، و بر اساس ارتباط با محورهای مهدویت، انتظار، مقاومت و تحلیل نظم جهانی گزینش گردیده‌اند. ابزار گردآوری، فیش‌برداری موضوعی و سامانه‌های پردازش و طبقه‌بندی متن را شامل است. در بخش تحلیل، از روش تحلیل مضمون و تحلیل تطبیقی در دو سطح توصیفی و تفسیری استفاده شده است. مراحل، قرائت کامل داده‌ها، کدگذاری باز، استخراج مضامین اولیه، خوشه‌بندی در سه حوزه کلیدی (مبانی مهدوی، مهدویت و مقاومت، مهدویت و نظم جهانی)، تشکیل ماتریس‌های مضامین و روابط علی و تلفیق یافته‌ها در مدل سه‌سطحی نهایی را شامل می‌گردد. تحلیل تطبیقی نیز برای سنجش هم‌پوشانی مضامین با پیشینه پژوهش به کار رفته است. جدول‌ها و ماتریس‌های تحلیلی در این پژوهش، صرفاً برای سامان‌دهی داده‌ها و شفاف‌سازی مسیر استنتاج به کار رفته‌اند و مبنای اصلی تفسیر، تحلیل روابط معنایی میان مضامین است. برای افزایش اعتبار تحلیلی یافته‌ها، مضامین و روابط استخراج شده پس از بازبینی مکرر پالایش شدند. همچنین ممیزی هم‌زمان بخشی از کدگذاری‌ها، توسط پژوهشگر دوم انجام گرفت تا قابلیت اتکای فرایند تحلیل تقویت شود. استفاده از سامانه تحلیل کیفی داده‌ها نیز به حفظ انسجام کدها و سامان‌دهی روابط مفهومی میان مضامین کمک کرد. افزون بر این، مضامین نهایی با متون اصلی و پژوهش‌های مرتبط تطبیق داده شد تا انسجام درونی الگو و کفایت تفسیری آن ارزیابی شود.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. مبانی نظری گفتمان مهدوی در اندیشه شهید آیت الله خامنه‌ای

گفتمان مهدوی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای یک دستگاه معنایی منسجم است که از سه سطح درهم تنیده «معرفت‌شناختی»، «انسان‌شناختی» و «تاریخ‌شناختی» برخوردار است. این ساختار، مهدویت را نه آموزه‌ای اعتقادی صرف، بلکه «افق تمدنی و غایت مسیر بشر» معرفی

1. KHAMENEI.IR

می‌کند. در سطح معرفت‌شناختی، مهدویت «حلقه اصلی معارف دینی» و شرط معنا یافتن رسالت انبیا است. فقدان مهدویت به معنای بی‌اثر شدن تمام تلاش پیامبران است (بیانات در ۱۸ تیر ۱۳۹۰). این مفهوم، جایگاه مهدویت را به عنوان ستون فهم دین تثبیت می‌کند. در سطح انسان‌شناختی، انتظار حالتی انفعالی یا عاطفی نیست، بلکه «حرکت همراه با اعتماد و امید» است. انسان منتظر باید خلق و رفتار خود را با معیارهای عصر ظهور تنظیم کند و امید را در دل زنده نگاه دارد. ایشان در ۲۲ اسفند ۱۳۶۸، انتظار را «حالتی آمیخته با اطمینان و امید» و شرط مبارزه و حرکت معرفی می‌کنند. همچنین در سطح تاریخ‌شناختی، مهدویت چارچوب تحلیل حرکت جهان است. عالم، ذاتاً و فطرتاً به سمت کمال و صلاح می‌رود و هیچ قدرتی قادر نیست این مسیر طبیعی را متوقف کند (بیانات در ۲۲ آبان ۱۳۷۹). در این تحلیل، ظهور نه رخدادی منفصل، بلکه «قله مسیر طبیعی تاریخ» است؛ نقطه‌ای که عدالت جهانی، معرفت الهی و آزادی انسان‌ها به فعلیت خواهد رسید. در سطح جامعه‌شناختی، امید مهدوی انرژی حیاتی جامعه است. خاموش شدن امید با توقف مبارزه و فروپاشی حرکت اجتماعی مساوی است؛ بنابراین، رابطه دائم با ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هویت جمعی، پویایی اخلاقی و توان مقاومت را حفظ می‌کند. این دیدگاه، مهدویت را منبع تولید قدرت اجتماعی و روح مقاومت معرفی می‌کند. به این ترتیب، گفتمان مهدوی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای نوعی «گفتمان فعال، آینده‌ساز و امید آفرین» است که پیوندی درونی میان ایمان، حرکت اجتماعی، امید تاریخی و آینده جهان برقرار می‌کند. این مبانی نظری، بعدها بستر شکل‌گیری گفتمان مقاومت و تحلیل ایشان از نظم جهانی می‌شود. مضامین استخراج شده از مبانی نظری گفتمان مهدوی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای در جدول شماره ۱ تبیین شده است.

جدول ۱. مضامین استخراج شده از مبانی نظری گفتمان مهدوی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

ردیف	مضمون پایه (گزاره متنی)	مضمون سازمان دهنده (مستخرج)	مضمون فراگیر
۱	«مهدویت در شمار مسائل اصلی معارف دینی است» (۱۸ تیر ۱۳۹۰)	مهدویت جزء مسائل اصلی معارف دینی	جایگاه بنیادین مهدویت در دین
۲	«اگر مهدویت نباشد، تلاش انبیا بی‌فایده می‌ماند» (۱۸ تیر ۱۳۹۰)	نبود مهدویت؛ بی‌اثر شدن تلاش انبیا	تداوم تاریخ انبیا در مهدویت



ردیف	مضمون پایه (گزاره متنی)	مضمون سازمان دهنده (مستخرج)	مضمون فراگیر
۳	«مسئله انتظار از کلیدواژه های فهم دین است» (۱۸ تیر ۱۳۹۰)	انتظار کلیدواژه فهم دین است	انتظار به عنوان ابزار معرفتی
۴	«انتظار واقعی ملازم با اطمینان و اعتماد و امید است» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	انتظار حالتی فعال و آمیخته با اطمینان	انتظار فعال
۵	«انسان باید خُلق خود را به خلق دوران ظهور نزدیک کند» (۱۸ تیر ۱۳۹۰)	انتظار مستلزم خودسازی اخلاقی است	آمادگی اخلاقی برای ظهور
۶	«اعتماد لازمه انتظار و هر دو ملازم امید است» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	امید لازمه انتظار است	امید مهدوی
۷	«این رابطه قلبی امید را زنده نگه می دارد» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	رابطه دائم با ولی عصر هویت جامعه را زنده نگه می دارد	هویت مهدوی
۸	«اگر امید بمیرد، مبارزه می میرد» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	امید نیروی محرک جامعه	امید و پویایی اجتماعی
۹	«حرکت عالم به سمت صلاح و آفاق روشن است» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	حرکت عالم به سمت صلاح قطعی است	تاریخ آینده گرا
۱۰	«مستکبران نمی توانند مسیر طبیعی به سوی صلاح را متوقف کنند» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	هیچ قدرتی به توقف مسیر حق قادر نیست	غلبه حتمی حق
۱۱	«همه بشر طعم عدالت را خواهند چشید» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	ظهور نقطه تحقق عدالت جهانی است	عدالت مهدوی
۱۲	«حکومت ربوبی در زمین» (۱۸ تیر ۱۳۹۰)	حکومت مهدوی حکومت ربوبی است	الگوی حکومت الهی
۱۳	«ایمان به منجی شفاعت بخش بیماری های اجتماعی است» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	ایمان به منجی شفاعت بخش بیماری های اجتماعی است	کارکرد اجتماعی مهدویت
۱۴	«عید بزرگ اسلامی بلکه عید نیمه شعبان عید بشری است	نیمه شعبان عید بشری است	جهانی بودن

ردیف	مضمون پایه (گزاره متنی)	مضمون سازمان دهنده (مستخرج)	مضمون فراگیر
	بشری « (۱۸ تیر ۱۳۹۰)		مهدویت
۱۵	«طبیعت عالم به سمت کمال می‌رود» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	ظهور ادامه طبیعی مسیر تاریخ بشر است	طبیعی بودن سیر تاریخ
۱۶	«این یاد باید درس آموز رفتار ما باشد» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	یاد میلاد مهدوی باید آموزنده باشد	مهدویت و تربیت عملی
۱۷	«این رابطه امید را زنده نگه می‌دارد» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	انتظار امید را تثبیت می‌کند	استمرار امید
۱۸	«نباید اجازه داد ظلم، شعله امید را خاموش کند» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	امید مانع سلطه‌پذیری است	مقاومت درونی
۱۹	«اگر امید بمیرد، مبارزه می‌میرد» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	مهدویت پشتوانه معنوی مبارزه است	پیوند مهدویت و مقاومت
۲۰	«حرکت عالم... به سمت آفاق روشن» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	مهدویت چارچوب تحلیل آینده است	آینده‌نگری مهدوی

۲-۵. گفتمان مهدویت و تولید معنای مقاومت در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، گفتمان مهدویت اولاً با تثبیت مبانی معرفتی خود، زمینه‌ساز شکل‌گیری و استمرار گفتمان مقاومت می‌شود؛ مقاومتی که در الاهیات امید و انتظار آگاهانه ریشه دارد. در این چارچوب، مقاومت در مفاهیمی همچون امید، نفی سلطه و نپذیرفتن وضع ظالمانه تجلی می‌یابد. چنان‌که در بیانات ۲۲ اسفند ۱۳۶۸ تصریح شده است؛ امید مهدوی بنیان قوام‌بخش و پیشران اصلی حرکت مقاومت است؛ چرا که با خاموشی شعله امید، انگیزه مبارزه و ایستادگی نیز از میان می‌رود. بر این اساس، مهدویت، نه محرکی فرعی، بلکه مبنای هویتی و روانی است که مقاومت بر آن استوار می‌گردد. دوم، انتظار به معنای نپذیرفتن وضع موجود و ردّ نظام ظالمانه است (بیانات ۱۱ اسفند ۱۳۶۹ و ۲۷ مرداد ۱۳۸۷)؛ امری که مبنای تمام کنش‌های مقاومت را تشکیل می‌دهد. سوم، مهدویت به جامعه «توان عبور از بن‌بست‌ها» می‌دهد؛ باور به فرج بعد الشّده مانع فروپاشی ذهنی در برابر فشار دشمن می‌شود. چهارم، این



گفتمان منشأ «آرامش روانی مقاومتی» است؛ زیرا ایمان به فرج، انسان را از ناامیدی و افسردگی نجات می‌دهد و نیروی پایداری را تقویت می‌کند. پنجم، در بیانیه گام دوم انقلاب (۲۲ بهمن ۱۳۹۷)، تجسم عینی همین منطق دیده می‌شود؛ جامعه مؤمن به فرج، در عرصه جهانی در برابر سلطه گران ایستاده و از بازتولید سلطه جلوگیری کرده است. بنابراین، مهدویت در نگاه امام خامنه‌ای، گفتمانی است که معنای مقاومت را تولید و آن را به راهبردی تاریخی و تمدنی تبدیل می‌کند. از امید تا ایستادگی، از انتظار تا اقدام. این پیوند، مهدویت را به موتور درونی استمرار مقاومت و بازسازی تمدن اسلامی بدل ساخته است. جدول شماره ۲ مضامین استخراج شده در زمینه گفتمان مهدویت و تولید معنای مقاومت را تبیین کرده است.

جدول ۲. مضامین استخراج شده در زمینه گفتمان مهدویت و تولید معنای مقاومت

ردیف	مضمون پایه (گزاره متنی)	مضمون سازمان‌دهنده (مستخرج)	مضمون فراگیر
۱	«اگر امید بمیرد، مبارزه هم خواهد مرد» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	امید شرط امکان مبارزه است	پیوند امید مهدوی و مقاومت
۲	«این رابطه امید را به طور دائم زنده نگه می‌دارد» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	انتظار، امید را دائماً زنده نگه می‌دارد	استمرار نیروی مقاومت
۳	«نباید اجازه داد ظلم، شعله امید را خاموش کند» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	شعله امید در برابر ظلم خاموش نشود	مقاومت در برابر سلطه
۴	«انتظار یعنی قانع نشدن به وضع موجود» (۱۱ اسفند ۱۳۶۹)	ذات انتظار؛ قانع نشدن به وضع موجود	نفی وضع موجود
۵	«انتظار فرج یعنی قبول نکردن وضعیتی که بر اثر جهالت و اغراض بشر حاکم شده است» (۲۷ مرداد ۱۳۸۷)	انتظار، یعنی عدم پذیرش وضع تحمیلی امروز	مقاومت در برابر نظم ظالمانه
۶	«اگر امید بمیرد، حرکت به سمت صلاح هم خواهد مرد» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	امید مهدوی مانع تسلیم و انفعال است	ضد انفعال

ردیف	مضمون پایه (گزاره متنی)	مضمون سازمان دهنده (مستخرج)	مضمون فراگیر
	(۱۳۶۸)		
۷	«منتظر با شوق و امید حرکت می‌کند» (۱۱ اسفند ۱۳۶۹)	انتظار، یعنی حرکتِ امیدوارانه	حرکت مقاومتی
۸	«ظهور برای نجات بشر از فروبستگی و ظلم است» (۲۷ مرداد ۱۳۸۷)	ظهور راه نجات بشر از استبداد و ظلم است	افق مقاومت جهانی
۹	«معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است» (۲۷ مرداد ۱۳۸۷)	هر بن‌بستی قابل گشایش است	عبور از بحران
۱۰	«نور امید... روح پویایی را در جامعه زنده می‌کند» (۲۷ مرداد ۱۳۸۷)	امید جوانان موتور حرکت اجتماعی است	مقاومت اجتماعی
۱۱	«نباید اجازه داد طواغیت شعله امید را خاموش کنند» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	انتظار، نجات از سلطه طواغوت‌ها است	مقاومت ضد طواغوت
۱۲	«این آرامش ناشی از انتظار فرج، تلاطم دل را برطرف می‌کند» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	انتظار فرج، آرامش مقاوم ایجاد می‌کند	تاب‌آوری
۱۳	«انتظار انسان را از ناامیدی و درماندگی نجات می‌دهد» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	امید، نومیدی و درماندگی را از جامعه دور می‌کند	بازسازی روحی مقاومت
۱۴	«وقتی انتظار فرج وجود دارد، انسان می‌داند حادثه تمام خواهد شد» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	ایمان به فرج، مانع فروپاشی در بحران‌هاست	اطمینان مقاومتی
۱۵	«این رابطه قلبی امید را زنده نگه می‌دارد» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	رابطه دائم با امام عصر عجل الله تعالی فرجه و نجاته منبع مقاومت است	پیوند معنوی مقاومت
۱۶	«انتظار، سازنده است» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	انتظار، فراتر از نیاز، سازگار سازنده است	مقاومت سازنده
۱۷	«انقلاب این معنای غلط را از بین برد» (۱۱ اسفند ۱۳۶۹)	انقلاب برداشت غلط انتظار انفعالی را از بین برد	بازسازی معنای مقاومت



ردیف	مضمون پایه (گزاره متنی)	مضمون سازمان دهنده (مستخرج)	مضمون فراگیر
۱۸	«ظهور برای نجات جامعه از فروبستگی است» (۲۷ مرداد ۱۳۸۷)	مهدویت جامعه را در برابر فروبستگی حفظ می کند	ساختارگشایی
۱۹	«نباید اجازه داد... شعله امید خاموش شود» (۲۲ اسفند ۱۳۶۸)	امید مهدوی مانع سلطه پذیری است	ایستادگی
۲۰	«ملت ایران... در برابر قلدان و مستکبران ایستاد» (۲۲ بهمن ۱۳۹۷)	ملت امیدوار توان ایستادگی در برابر مستکبران دارد	مقاومت تمدنی

۳_۵. گفتمان مهدویت و تحلیل رهبری از نظم جهانی در حال گذار

در بیانات آیت الله خامنه ای، مهدویت صرفاً آموزه ای اعتقادی نیست، بلکه چارچوبی معنایی برای تفسیر تحولات تاریخی و جهانی به شمار می آید. در این چارچوب، نظم جهانی موجود، نظم ثابت و نهایی تلقی نمی شود، بلکه به مثابه نظم در حال گذار بازنمایی می شود که در آن، افول سلطه و امکان شکل گیری نظم بدیل مورد توجه قرار می گیرد. در بیانات ۲۲ آبان ۱۳۷۹، حرکت تاریخ به سوی «آفاق روشن الهی» توصیف می شود و تأکید می گردد که قدرت های سلطه گر به توقف این مسیر قادر نیستند. همچنین در سخنان ۲۷ مرداد ۱۳۸۷، آینده جهان به سود حق و عدالت تصویر و «ظهور» نقطه تکامل این روند دانسته می شود.

در بیانیه گام دوم انقلاب (۲۲ بهمن ۱۳۹۷) نیز از تضعیف قطب های سلطه و پیدایش «قطب سوم اسلامی» سخن گفته می شود. افزون بر این، در بیانات سال های (۲۲ آبان ۱۳۷۹)، (۱۹ دی ۱۳۹۱) و (۲۱ خرداد ۱۳۹۳)؛ ظهور به عنوان آغاز «عصر جهانی جدید» معرفی می شود؛ عصری که با عدالت، عقلانیت و شکوفایی ظرفیت های انسانی پیوند می یابد. با این حال، از منظر تحلیلی، باید میان بازنمایی گفتمانی نظم جهانی و واقعیت تجربی آن تمایز گذاشت. بخشی از این گزاره ها با برخی روندهای قابل مشاهده در نظام بین الملل، مانند افول نسبی هژمونی آمریکا، ظهور قدرت های نوخاسته ای چون چین و افزایش بی ثباتی در نظم لیبرال، هم پوشانی دارد؛ اما بخشی دیگر، به ویژه تعابیری مانند غلبه نهایی حق یا استقرار نظم جهانی



عادلانه، بیش تر به افق هنجاری و آینده نگر این گفتمان ناظر است تا گزارش مستقیم واقعیت موجود.

از این رو، گزاره‌هایی مانند «جهان از نظم دوقطبی عبور کرده است» را می‌توان در این پژوهش نه صرفاً توصیفی عینی، بلکه بخشی از صورت بندی تفسیری این گفتمان دانست که تحولات جهانی را در چارچوبی مهدوی و عدالت محور معناگذاری می‌کند. در همین زمینه، پیوند میان مقاومت ملت ایران و تغییر مسیر تاریخ در بیانات ۱۹ دی ۱۳۹۱ نیز نشان می‌دهد که تحول نظم جهانی در این دیدگاه، صرفاً یک جابه جایی قدرت سیاسی نیست، بلکه فرایندی درهم تنیده از ایمان، مقاومت، جامعه سازی و بیداری ملت ها تلقی می‌شود.

بر این اساس، گفتمان مهدوی در این بیانات، نه خود واقعیت نظم جهانی، بلکه چارچوبی معنابخش برای تفسیر آن است. این چارچوب با خوانش لیبرال از نظم جهانی که بر هژمونی غرب و نهادهای بین المللی متکی است، واگرایی دارد و در عین حال، با برخی تحلیل های معاصر درباره گذار از تمرکز قدرت و شکل گیری نظم سیال تر، همگرایی نسبی نشان می‌دهد.

بنابراین، گفتمان مهدوی افق تحلیل نظم جهانی را می‌سازد و ضامن تاریخی پیروزی حق و بنیانگذار نظم جدید انسانی است. این گفتمان، مهدویت را به مدل تمدنی فهم جهان در حال گذار تبدیل می‌کند. مضامین گفتمان مهدویت و تحلیل رهبری از نظم جهانی در حال گذار در جدول شماره ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۳. مضامین گفتمان مهدویت و تحلیل رهبری از نظم جهانی در حال گذار

ردیف	مضمون پایه (گزاره متنی)	مضمون سازمان دهنده (مستخرج)	مضمون فراگیر
۱	«حرکت عالم به سمت صلاح و آفاق روشن است» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	حرکت جهان به سمت صلاح	جهت گیری قطعی تاریخ
۲	«قدرت نمایی مستکبران نمی‌تواند این حرکت طبیعی بشر را متوقف کند» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	مستکبران به توقف مسیر حق قادر نیستند	شکست پذیری نظام سلطه
۳	«همه آحاد بشر طعم عدالت را خواهند چشید» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	آینده جهان آینده عدالت است	آینده عدالت محور



ردیف	مضمون پایه (گزاره متنی)	مضمون سازمان دهنده (مستخرج)	مضمون فراگیر
۴	«حکومت ربوبی در زمین... حاکمیت معنویت» (۱۸ تیر ۱۳۹۰)	حکومت مهدوی حکومت ربوبی جهانی	حاکمیت الهی جهانی
۵	«هنوز بشریت به نقطه شروع صراط مستقیم نرسیده... آن در زمان ولی عصر محقق می‌شود» (۱۲ آذر ۱۳۷۹)	سیر بشر به سوی جاده اصلی تاریخ است	ظهور به عنوان آغاز نظم جدید
۶	«زندگی حقیقی بشر از آنجا آغاز خواهد شد» (۲۴ اسفند ۱۳۷۹)	دوران ظهور آغاز زندگی حقیقی بشر	آغاز عصر جدید
۷	«او زمین را پر از عدل و قسط خواهد کرد» (۳۰ مهر ۱۳۸۱)	نظم جهانی آینده، نظم عدالت و قسط	نظم جهانی عدالت
۸	«در تقابل ناامیدی عالم، صلح و امنیت کامل هست» (۳۰ بهمن ۱۳۷۰)	ظهور پایان ظلم، جنگ و سلطه‌گری	پایان نظام سلطه
۹	«زورگویان فرصت اقدام نخواهند داشت» (۱۱ اسفند ۱۳۶۹)	استثمار جهانی در نظم آینده جایی ندارد	نفی ساختار سلطه
۱۰	«تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور است» (۱۴ مهر ۱۳۷۹)	تمدن حقیقی اسلامی در ظهور تحقق می‌یابد	تمدن نوین اسلامی
۱۱	«قطب‌های جهان در حال احتضارند» (۲۲ بهمن ۱۳۹۷)	فروپاشی نظام جهانی کنونی	افول نظام جهانی موجود
۱۲	«انقلاب اسلامی آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود» (۲۲ بهمن ۱۳۹۷)	انقلاب اسلامی آغاز عصر جدید جهان	تغییر هندسه جهان
۱۳	«انقلاب، جهان دوقطبی را سه قطبی کرد» (۲۲ بهمن ۱۳۹۷)	جهان از نظم دوقطبی عبور کرده است	گذار ژئوپولیتیک
۱۴	«دوران جامعه توحیدی... دوران حاکمیت عدالت» (۱۸ تیر ۱۳۹۰)	نظم جدید بر ایمان و عدالت مبتنی است	مبانی الهی نظم جدید
۱۵	«هر بن بستی قابل گشوده شدن است» (۲۷ مرداد ۱۳۸۷)	ظهور نقطه پایان بن بست‌های بشری است	برون رفت تمدنی
۱۶	«اگر ملت ایران پیروز شود، مسیر تاریخ عوض می‌شود» (۱۹ دی ۱۳۹۱)	پیروزی ملت ایران مسیر تاریخ جهان را تغییر می‌دهد	پیوند تحول داخلی و جهانی

ردیف	مضمون پایه (گزاره متنی)	مضمون سازمان دهنده (مستخرج)	مضمون فراگیر
۱۷	«از آنجا بشریت در صراط مستقیم می افتد» (۲۱ خرداد ۱۳۹۳)	ظهور آغاز صراط مستقیم تاریخی بشر است	امتداد تاریخی ظهور
۱۸	«زندگی مطلوب انسان از آن روز آغاز می شود» (۲۷ مرداد ۱۳۸۷)	آینده دنیای حقیقی بشر، پس از ظهور آغاز می شود	آغاز عصر انسانیت
۱۹	«کاروانی که بشریت را به عدالت می برد روزبه روز در حال افزایش است» (۲۲ آبان ۱۳۷۹)	حرکت کاروان بشر رو به سوی عدالت	حرکت جمعی بشر
۲۰	«ستیزه میان حق و باطل یک روز به سود حق پایان می گیرد» (۲۷ مرداد ۱۳۸۷)	ظهور نقطه اوج و پیروزی تاریخی حق	پیروزی نهایی حق

۴_۵. ماتریس مضامین فراگیر سه گانه

پس از استخراج سه مرحله ای یافته ها (مبانی نظری مهدویت، مقاومت، نظم جهانی)، اکنون تحلیل در نقطه حساسی قرار گرفته است؛ جایی که معناهای فرابخشی باید «همنشین» و «هم افق» شوند تا ساختار و مهندسی ذهنی آیت الله خامنه ای را از حالت «سه جزیره جداگانه» در قالب یک «اقیانوس معنایی واحد» ادراک کرد. در روش شناسی تحلیل گفتمان، پس از استخراج مضمون ها، مهم ترین مرحله «ایجاد شبکه معنایی» و «صورت بندی روابط بین سطحی» است. این کار بدون تشکیل یک ماتریس مضامین فراگیر (آن چنان که در جدول شماره ۴ ارائه می شود) ممکن نیست؛ زیرا مضمون های فراگیر خود بخش ها، حکم «گره های کلیدی» را دارند که مدل نهایی باید دقیقاً بر اساس آن ها بنا شود. این ماتریس در این مرحله سه کار مهم انجام می دهد:

۱. **همنشینی معنایی:** یعنی مضمون های فراگیر سه بخش باید کنار یکدیگر قرار گیرند تا نسبت ها و امتدادهای معنایی قابل مشاهده شود.
۲. **هم افزایی معنایی:** این که کدام مضمون از «مبانی» با کدام مضمون از «مقاومت» و کدام مضمون از «نظم جهانی» پیوند طبیعی و درونی دارد.



۳. **تشخیص مضامین محوری:** این مرحله کمک می‌کند بفهمیم که در ذهن رهبری، «هسته مرکزی گفتمان مهدوی» چیست و کدام مضمون‌ها نقش «پیشران» را دارند.

جدول ۴. ماتریس مضامین فراگیر سه‌گانه (مبانی مهدویت، مقاومت و نظم جهانی)

ردیف	مضمون فراگیر در «مبانی نظری مهدویت»	مضمون فراگیر در «مهدویت و مقاومت»	مضمون فراگیر در «مهدویت و نظم جهانی»
۱	مهدویت به عنوان محور امید الهی و پویایی تاریخ	پیوند امید مهدوی با پایداری و مبارزه	حرکت تاریخ به سوی عدالت، صلاح و آفاق روشن
۲	انتظار به مثابه نفی وضع موجود و طلب جهان بهتر	مقاومت به عنوان عدم پذیرش سلطه و ظلم	پایان نظم سلطه‌محور و تغییر هندسه قدرت جهانی
۳	رابطه دائم با ولی عصر عجل الله تعالی فرجه له به عنوان مبدأ نیرو	رابطه قلبی با امام به عنوان منشأ استقامت	ظهور به عنوان نقطه آغاز نظم جدید جهانی
۴	تاریخ فهمی مهدوی و جهت‌مندی حرکت تاریخ	مقاومت مشارکت در حرکت تاریخی حق	پیروزی تاریخی حق و ناکامی باطل در سطح جهانی
۵	امید به فرج بعدالشدّه و گشایش الهی	غلبه بر بن‌بست‌ها و شکست‌ناپذیری جامعه امیدوار	فرج جهانی به مثابه گشایش تمدنی و پایان بحران‌های بشر
۶	مهدویت به عنوان الاهیات حیات و معنای زندگی	نترسیدن از تهدیدها و سقوط نکردن در ناامیدی	آغاز زندگی حقیقی بشر در نظم مهدوی
۷	تربیت انسان مهدوی و کمال انسانی	خودسازی و جامعه‌سازی برای مقاومت	تمدن نوین اسلامی در مسیر آمادگی ظهور
۸	ظهور به عنوان تصویر نهایی جهان مطلوب	مقاومت به مثابه مشارکت در تحقق مقدمه ظهور	نظم آینده بر محور عدالت، معنویت و انسانیت

۵-۵. ماتریس ارتباط سه‌گانه و هم‌نشینی بین سطحی

در مرحله قبل، سه دسته «مضمون فراگیر» استخراج و در کنار هم نشان‌دیم. اکنون در این مرحله به «هم‌نشینی ساختاری» وارد می‌شویم؛ مرحله‌ای که از حیث روش‌شناسی تحلیل گفتمان، نقش ستون فقرات مدل‌سازی نهایی را ایفا می‌کند. در تحلیل گفتمان انتقادی، هدف نهایی صرفاً استخراج مضمون‌ها نیست؛ بلکه کشف نسبت‌های درونی و پیوندهای عمیق بین

گفتمان‌ها است. این مرحله دقیقاً جایی است که گفتمان‌ها، از حالت سه‌گانه و منفصل، به «شبکه معنایی به هم پیوسته‌ای» تبدیل می‌شوند.

اما چه ضرورتی دارد که این شبکه معنایی در این مقطع تشکیل شود؟ پاسخ دقیقاً در ماهیت موضوع پژوهش نهفته است: نخست این که مهدویت گفتمان تک‌لایه‌ای نیست. در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، مهدویت، معنایی صرفاً اعتقادی یا عاطفی نیست، بلکه «هستی‌شناسی» است (مبانی)، «الگوی کنش» است (مقاومت) و «افق تمدنی» است (نظم جهانی). بنابراین، سه حوزه پژوهش در یک ساختار طبیعی به هم وابسته‌اند. در این مرحله این وابستگی، صورت‌بندی نظری می‌شود. دوم این که بدون همنشینی، مدل نهایی سه‌گانه فاقد انسجام خواهد بود. اگر به الگوسازی وارد شویم، بدون آن که خطوط اتصال میان سه حوزه روشن باشد؛ الگوی به دست آمده استنتاج ذهنی خواهد بود، نه استخراج از متن. مرحله اخیر، یعنی ماتریس ارتباط سه‌گانه و همنشینی بین سطحی که در جدول شماره ۴ ارائه می‌شود، این خطر را حذف و الگوی نهایی را بر «پیوندهای متن‌مبنا» استوار می‌کند. سوم آن که همنشینی، «معنای مرکزی» را روشن می‌کند. در گفتمان رهبری، احتمال می‌دهیم که «هسته معنایی» وجود دارد، مانند «امید»، «حرکت رو به جلو»، «آفاق روشن»، «نفی ناامیدی»، «پویایی تاریخ» و «جریان مقاومت». اما مرحله اخیر نشان خواهد داد این هسته کجاست و چگونه سه حوزه را به هم پیوند می‌دهد. جدول شماره ۵، با جدول شماره ۴ تفاوت مهمی دارد. به عبارتی در این جدول رابطه معنایی مضامین بیان شده است.

این ماتریس نشان می‌دهد که مضامین مبانی مهدویت، «معنا» تولید می‌کنند، مضامین مقاومت، «عمل» را تعریف و مضامین نظم جهانی، «افق» را مشخص می‌کنند و در هشت محور اصلی، این سه سطح در یک ساختار منسجم و نظام‌مند به هم پیوند می‌خورند. این مرحله اکنون داده کافی برای ورود به خوشه‌بندی نهایی را فراهم کرده است؛ مرحله‌ای که در آن شبکه معنایی سه سطحی وارد «ساختار کلان» می‌شود.



جدول ۵. همنشینی و نسبت معنایی سه گانه: مبانی مهدویت، مقاومت و نظم جهانی

ردیف	مضمون مبانی مهدویت	مضمون مقاومت	مضمون نظم جهانی	نوع نسبت/ارتباط بین سطحی
۱	مهدویت، محور امید و پویایی تاریخ	مقاومت، محصول امید و عدم توقف	نظم جهانی، حرکت تاریخ به سمت آفاق روشن	همنشینی معنایی: امید به مثابه پشتوانه مقاومت و افق تحول تاریخی
۲	انتظار، نفی وضع موجود	مقاومت، نفی سلطه	نظم جهانی، پایان نظم سلطه	تقارن گفتگویی: نفی وضع موجود در سه سطح
۳	رابطه دائم با ولی عصر، منبع نیرو	استقامت، تجلی نیرو	ظهور، تکامل نیرو در مقابل ناامیدی جهان	امتداد معنایی: از نیرو، به عمل، تا تحقق تمدنی
۴	تاریخ فهمی مهدوی	مقاومت، مشارکت در حرکت تاریخ	پیروزی حق در سطح جهانی	هم پوشانی تفسیری: هر سه در افق حرکت تاریخ قابل فهم اند
۵	امید به فرج بعدالشدّه	عبور از بن بست ها	فرج جهانی و گشایش تمدنی	ساختار سه گانه امید: فردی، اجتماعی و جهانی
۶	مهدویت، الاهیات حیات	مقاومت، حیات جمعی پویا	نظم مهدوی، زیست حقیقی بشر	پیوستگی معنایی: زندگی معنوی، زندگی مقاوم و زندگی جهانی
۷	تربیت انسان مهدوی	خودسازی و جامعه سازی مقاوم	تمدن نوین اسلامی	رابطه تربیتی-تمدنی: انسان مهدوی زمینه ساز تمدن است
۸	ظهور، جهان مطلوب	مقاومت، مشارکت در ساختن مقدمه ظهور	نظم آینده، عدالت و معنویت	هم افقی مقصدی: ظهور به مثابه افق مشترک سه سطح

روابط مندرج در این جدول بر پایه هم وقوعی مفاهیم، ارجاع صریح در متن و توالی معنایی میان مضامین استخراج شده اند و به پیوندهای تفسیری و همنشینی معنایی ناظر هستند، نه علیت تجربی.

۵-۶. خوشه‌بندی نهایی شبکه معنایی سه سطحی

در این مرحله سه شبکه معنایی (مبانی مهدویت، مقاومت و نظم جهانی) از حالت «ماتریسی» خارج و وارد حالت «ساختاری» خواهند شد. در تحلیل گفتمان، خوشه‌بندی سطحی از استخراج مضمون‌ها فراتر است. در واقع «ساخت‌زدایی» از متن و «بازساخت» گفتمان در قالب هسته‌های مرکزی صورت می‌گیرد. در این مرحله، هدف این نیست که مضامین را صرفاً دسته‌بندی کنیم، بلکه باید از دل «همنشینی‌ها»، «هسته‌های معنایی» را بیرون بکشیم و همه مضمون‌های سه سطحی (مهدویت، مقاومت و نظم جهانی) را در قالب «خوشه‌های مادر» سازمان‌دهی کنیم.

برای دستیابی به نظام معرفتی یکپارچه، سه حوزه جداگانه، برای ارائه مدل مهندسی کافی نیست. خوشه‌بندی نشان می‌دهد که این سه حوزه چگونه سه ضلع از هندسه واحدی هستند. مدل سه‌گانه بدون خوشه‌بندی، صرفاً نقشه‌ای معنایی است؛ اما پس از خوشه‌بندی تبدیل می‌شود به یک «چارچوب نظری» با محورهای هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ‌شناسی و تمدن‌شناسی. این‌ها همان سطوح الگوی معرفتی رهبری هستند. پس از بررسی هشت ردیف ماتریس، آن‌ها را در قالب «خوشه‌های معنایی مادر» قرار می‌دهیم. خوشه‌ها باید دارای سه ویژگی منسجم، جهت‌دار و سه سطحی (شامل یک مضمون از مبانی مهدویت، یک مضمون از مقاومت و یک مضمون از نظم جهانی) باشند. به این ترتیب شبکه معنایی تبدیل می‌شود به «ستون‌های الگو».

خوشه‌بندی نهایی مضامین در جدول شماره ۶ تبیین و در آن هشت خوشه اصلی ارائه شده است که هر خوشه هسته معنایی خوشه، مضمون فراگیر از مبانی مهدویت، مضمون فراگیر از مقاومت، مضمون فراگیر از نظم جهانی و تحلیل نسبت‌های درونی خوشه را شامل می‌گردد.



جدول ۶. جدول خوشه‌بندی نهایی شبکه معنایی سه سطحی

خوشه	هسته معنایی خوشه	مضمون مبانی مهدویت	مضمون مقاومت	مضمون نظم جهانی	تحلیل نسبت‌های درونی خوشه
۱	هسته امید و حرکت تاریخ	مهدویت، محور امید الاهی	مقاومت، محصول امید	نظم جهانی، حرکت به آفاق روشن	امید، موتور حرکت است، مقاومت تجلی امید، عدالت آینده نتیجه حرکت
۲	نفی وضع موجود	انتظار، نفی وضع موجود	مقاومت، نفی سلطه	نظم آینده، پایان سلطه	«نفی» در سه سطح: عقیدتی، عملی و تمدنی
۳	هسته ولایت و اتصال	رابطه دائم با امام	استقامت متصل به امام	ظهور، تحقق ولایت در جهان	ولایت ← انگیزه ← تحقق تمدنی
۴	تاریخ‌مندی مسیر	تاریخ‌فهمی مهدوی	مقاومت، مشارکت در تاریخ	پیروزی تاریخی حق	مقاومت، پیوستن به خط تاریخ الاهی
۵	فرج و گشایش	امید به فرج بعدالشدّه	عبور از بن‌بست‌ها	فرج جهانی	ساختار گشایش: فردی ← اجتماعی ← تمدنی
۶	حیات طیبیه	مهدویت، الاهیات حیات	حیات جمعی مقاوم	نظم مهدوی، حیات حقیقی بشر	پیوستگی هستی‌شناختی حیات در سه سطح
۷	انسان‌سازی	تربیت انسان مهدوی	خودسازی/جامعه‌سازی مقاوم	تمدن نوین اسلامی	انسان مهدوی، عامل مقاومت، سازنده تمدن
۸	هدف نهایی تاریخ	ظهور، جهان مطلوب	مقاومت، مقدمه ظهور	نظم آینده، عدالت و معنویت	مقصد واحد سه سطح: ظهور، غایت تاریخ

خوشه‌بندی این مرحله نشان می‌دهد که ساختار ذهنی آیت الله خامنه‌ای درباره مهدویت، مقاومت و نظم جهانی، نه سه بخش جداگانه، بلکه یک شبکه معنادار با هشت ستون مادر است. به عبارتی در هر خوشه مهدویت «معنا» را ارائه، مقاومت «حرکت» را تعریف و نظم جهانی «افق» را تعیین می‌کند. الگویی که اکنون ساخته و ارائه می‌شود، برخلاف الگوهای متداول، «نموداری ساده» نیست. این الگو ساختاری معرفتی است و بر اساس رویکرد تحلیلی CDA (تحلیل گفتمان انتقادی) تولید شده است. الگوی به دست آمده، نشانگر آن است که در اندیشه رهبری، مهدویت گزاره‌ای اعتقادی منفصل نیست، بلکه هم‌زمان سه کارکرد تولید معنا، تولید کنش و مسیر حرکت و تولید افق تمدنی و تاریخی را شامل می‌شود. این سه سطح نه جدا، بلکه سه ضلع هندسه‌ای معرفتی هستند. بنابراین، الگوی مورد نظر باید هم «هستی‌شناسی مهدوی»، هم «انسان‌شناسی مقاومت» و هم «تاریخ‌شناسی و آینده‌شناسی جهانی» را توضیح دهد. به این ترتیب، گفتمان مهدویت در اندیشه رهبری «موتوری سه‌گانه» است که جامعه انقلابی را از سطح معنویت فردی تا سطح تمدن جهانی هدایت می‌کند.

گفتمان مهدوی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای صرفاً منظومه‌ای اعتقادی نیست، بلکه چارچوبی معرفتی و تمدنی برای فهم تاریخ، سامان‌دهی کنش اجتماعی و تحلیل تحولات جهانی به‌شمار می‌آید. در این منظومه، مهدویت نقش «نظام معنابخش» را ایفا می‌کند و با مفاهیمی چون امید الهی، حرکت تاریخ به‌سوی حق، نفی وضع موجود ظلم و پیوند معرفتی با ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، هویت جامعه اسلامی را شکل می‌دهد. این هویت مهدوی، با ایجاد امید فعال و مسئولیت‌پذیری تاریخی، جامعه را در مسیر پیشروی تاریخ قرار می‌دهد.

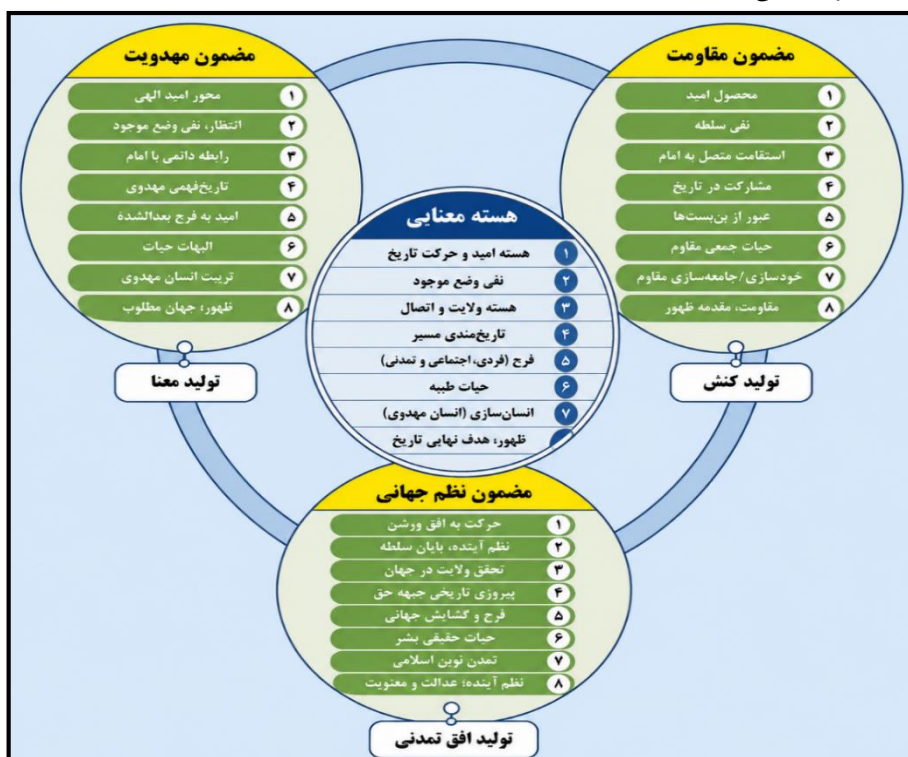
از دل این دستگاه معنایی، راهبرد مقاومت پدید می‌آید. در گفتمان رهبری، مقاومت واکنشی مقطعی یا تاکتیکی سیاسی نیست، بلکه نتیجه طبیعی انتظار مهدوی است؛ انتظاری که به نفی ظلم، اصلاح مستمر، ایستادگی در برابر سلطه و عبور از بن‌بست‌ها معنا می‌شود. پیوند مستمر با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیروی روانی و هویتی مقاومت را تولید و جامعه را در برابر فشارها بن‌بست‌ناپذیر می‌کند. از این‌رو، مقاومت «بُعد عملی مهدویت» و تبدیل معنا به کنش اجتماعی است و ملت مقاوم را به موتور پیشرفت علمی، سیاسی و اجتماعی بدل می‌کند.

در سطحی کلان‌تر، پیوند مهدویت و مقاومت، مبنای تحلیل رهبری از تحول نظم جهانی



است. جهان معاصر در حال گذار از نظم سلطه به نظامی عادلانه و معنوی است؛ گذاری که با فرسایش قدرت‌های سلطه‌گر و بیداری ملت‌ها شتاب یافته است. در این چارچوب، مقاومت ملت‌ها، به‌ویژه ملت ایران، نیروی اصلی تغییر مسیر تاریخ معرفی می‌شود. ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مقصد نهایی این حرکت تاریخی و نقش ملت‌های مقاوم، آماده‌سازی تاریخ برای تحقق عدالت جهانی است.

شکل ۱، الگوی نهایی سه‌گانه گفتمان مهدویت، مقاومت و نظم جهانی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای را نمایش داده است.



۶. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان مهدوی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، طی بازه ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰ را می‌توان به‌مثابه الگویی تفسیری و معنایی سه‌لایه صورت‌بندی کرد؛ الگویی که در آن مفاهیم مهدویت، مقاومت و افق تمدنی در یک شبکه معنایی به هم پیوند

می‌خورند. در سطح نخست، مهدویت در این بیانات، صرفاً آموزه‌ای اعتقادی نیست، بلکه منبعی برای تولید معنا، امید و فهم آینده‌نگر از تاریخ و وضعیت کنونی جهان است. این سطح بیش از آن که بر یک رابطه علی دلالت داشته باشد، نشان‌دهنده نحوه معناپردازی و جهت‌دهی هویتی به تجربه جمعی مؤمنان است. در سطح دوم، مقاومت به عنوان یکی از صورت‌های کنش جمعی در این شبکه معنایی ظاهر می‌شود. با این حال، نتایج پژوهش نشان نمی‌دهد که مقاومت در همه اوضاع و احوال و به‌طور مکانیکی از مهدویت ناشی می‌شود، بلکه این پیوند در متن بیانات، زمانی برجسته‌تر است که مهدویت با مفاهیمی مانند امید، تکلیف‌مداری، نفی سلطه و مسئولیت تاریخی همراه می‌شود. بنابراین، مقاومت در این پژوهش، نه یک پیامد علی قطعی، بلکه یکی از امکان‌های کنشی برآمده از صورت‌بندی خاص مهدویت است. بدیهی است تحقق اجتماعی این کنش می‌تواند تحت تأثیر عوامل زمینه‌ای دیگر، همچون اوضاع سیاسی، فشارهای خارجی، وضعیت اقتصادی، انسجام سازمانی و رهبری میدانی نیز قرار گیرد؛ اموری که بررسی مستقل آن‌ها خارج از دامنه این مقاله بوده است. در سطح سوم، بیانات مورد بررسی افقی آینده‌نگر و تمدنی ترسیم می‌کنند که در آن، مقاومت و کنش جمعی در نسبت با نظم جهانی مطلوب فهم می‌شود. این سطح نیز بیش از آن که پیش‌بینی علی درباره تحولات نظام بین‌الملل باشد، بیانگر افق هنجاری و انتظاری گفتمان مهدوی است؛ افقی که گذار از نظم سلطه به نظم عدالت‌محور را به مثابه امکانی تاریخی و مطلوب ترسیم می‌کند. بر این اساس، آنچه در این پژوهش به دست آمد، نه نظریه‌ای علی‌آزمون‌پذیر، بلکه الگویی مفهومی - تفسیری است که نحوه ارتباط‌یابی میان مهدویت، مقاومت و افق تمدنی را در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای توضیح می‌دهد.

در نتیجه، این پژوهش نشان می‌دهد که «امید الاهی جهت‌دار»، هسته مرکزی این الگوی معنایی است؛ هسته‌ای که سه سطح معنا، کنش و افق را به هم متصل می‌کند. با این حال، این الگو باید به عنوان چارچوبی تفسیرگرایانه فهم شود، نه مدلی علی‌نهایی. از این منظر، پژوهش حاضر بیش از آن که مدعی پیش‌بینی قطعی رفتارهای اجتماعی یا تحولات جهانی باشد، در پی بازسازی صورت‌بندی معنایی این پیوند در متن بیانات است و می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های تکمیلی درباره شرایط تحقق، متغیرهای مداخله‌گر و سنجش تجربی این روابط فراهم آورد.



منابع

۱. اسکات، جیمز، سی (۱۹۹۰م). **سلطه و هنر مقاومت**، مترجم: افشین خاکباز، تهران، مرکز.
۲. انوری، حسن (۱۳۸۱). **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران، سخن.
۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). **لغت نامه دهخدا**، تهران، دانشگاه تهران.
۴. معین، محمد (۱۳۶۰). **فرهنگ معین**، تهران، امیرکبیر.
۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). **قیام و انقلاب مهدی** وَجَاءَ الْمَسِيحُ **از دیدگاه فلسفه تاریخ**، تهران، انتشارات صدرا.
۶. امیرجان، راحله و سفیدابیان، فاطمه (۱۴۰۳). «تأثیر تمدن مهدوی بر تمدن انقلاب اسلامی»، موعودپژوهی، دوره ۶، شماره ۱۰.
۷. تاجیک جوبه، محمد (۱۴۰۴). «مکانیزم عملکرد انگاره انتظار فرج در تقویت بینش و کنش انسان در عصر غیبت»، مشرق موعود، دوره ۱۹، شماره ۷۵.
۸. سیاهپوش، امیر (۱۳۹۹). «شناختن سیاست‌های جامعه منتظر در اندیشه آیت الله خامنه ای مد ظله العالی»، جامعه مهدوی، ۱۱ (پیاپی ۱)، ۵۷-۸۲.
۹. شاهبازپور، حسین؛ اخوان مقدم، زهره و محمودی، مهدی (۱۴۰۲). «فرهنگ مقاومت و فرایند مهندسی آن در جامعه بر اساس آموزه‌های قرآن کریم»، آموزه‌های قرآنی، ۲۰ (۳۷)، ۱۸۱-۲۱۱.
۱۰. حمزه‌ای، مهدیس؛ جانجانی، زهرا و حمزه‌ای، پردیس (۱۳۹۹). «طراحی الگوی مقاومت»، مطالعات علوم قرآن، ۲ (۳)، ۱۷۵-۲۰۳.
۱۱. رضانژاد، عزالدین و صمدی، قنبرعلی (۱۴۰۴). «نقش بنیادین مهدویت در رویکرد تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری»، انتظار موعود، ۲۵ (۹۰)، ۳۱-۵۴.
۱۲. طباطبایی نیا، سیدرضا و بخشی، سعید (۱۴۰۴). «واکاوی رویکرد تمدنی و فرانسوی به مهدویت و انتظار»، مشرق موعود، ۱۹ (۷۵).
۱۳. عرفان، امیرمحسن (۱۴۰۳). «تحلیل ضرورت‌های روی آورد تمدنی به آموزه

مهدویت»، مشرق موعود، ۱۸ (۷۴).

۱۴. ماهروزاده، طاهره و رباب، مصباح (۱۴۰۳). «انتظار مثبت و منفی در اندیشه قرآنی آیت

الله خامنه ای»، موعود پژوهی، ۶ (۱۰)، ۹-۲۸.

۱۵. ملکی، علی (۱۴۰۴). «تبیین قرآنی- روایی خاستگاه دولت مهدوی در رویکردهای

معاصر دانش سیاسی»، مشرق موعود، ۱۹ (۱)، ۱۹۶-۲۱۸.

۱۶. کرمی، حمیدرضا (۱۴۰۲). «مهدویت در اندیشه مقام معظم رهبری»، مشرق موعود،

۱۷ (۶۶).

۱۷. خزلی، اکبر و ساداتی نژاد، سیدعلی (۱۴۰۲). «الگوی مقاومت در گفتمان انقلاب

اسلامی مبتنی بر اندیشه های مقام معظم رهبری بر اساس کاربرست تحلیل

مضمونی»، مدیریت و پژوهش های دفاعی، ۲۲ (۹۹)، ۴۱-۷۰.

۱۸. مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰). «عنوان فارسی: نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد

آن (عنوان عربی: نقد نظریه تحلیل خطاب لاکلاف موفیه)»، معرفت فرهنگی

اجتماعی، ۲ (۲) (پیاپی ۶)، ۹۱-۱۲۴.

19. <https://farsi.khamenei.ir>

20. Foucault, M. (1974). The archaeology of knowledge. Tavistock Publications.

21. Nye, J. S. (2025, April). World order: What it is and how it could change under Trump. Project Syndicate.

